

بررسی اختیارات حاکم اسلامی در حکم جهاد دفاعی از منظر فقه امامیه

حسین رجایی^۱ و علیرضا سلیمی^۲ و سید علیرضا حسینی^۳ و محمدحسین ناظمی اشنی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

چکیده: موضوع دفاع و آمادگی جامعه اسلامی برای جهاد در راه خدا، از ضروریات بقا و امنیت امت اسلامی است. این پژوهش با هدف بررسی جایگاه و اختیارات حاکم اسلامی در صدور حکم جهاد دفاعی در انواع مختلف آن، در مبانی اسلامی و آراء و نظرات فقهی علمای اسلام انجام پذیرفته است. پژوهش از نوع بنیادی و کاربردی بوده، با مراجعه به منابع و متون اسلامی و فقهی به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی انجام شده است. از بررسی متون دینی و فقهی چنین برمی‌آید که اولاً حاکم اسلامی نقش کلیدی در اجرای حکم جهاد و دفاع از کیان حکومت اسلامی و عزت مسلمانان داشته، ثانیاً این اختیارات ضامن تأمین امنیت امت اسلام و حفظ استقلال و بقای آن است؛ ثالثاً اختیارات حاکم اسلامی، با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و معطوف به پویایی فقه شیعه، عامل اصلی در بسیج نیروها برای مقابله با دشمنان اسلام است؛ و رابعاً این احکام فصل‌الختم جاری شدن حکم جهاد دفاعی در حکومت اسلامی است.

واژگان اصلی: حاکم اسلامی، اختیارات، جهاد دفاعی، فقه امامیه.

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. (نویسنده مسئول)

hosezhad@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

۴. استادیار گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان، سمنان، ایران.

مقدمه

با وجود اهمیت و ارزش جهاد دفاعی در دین مبین اسلام، در پاره‌ای از مقاطع به لحاظ آنکه سرزمین‌های اسلامی و استقلال مسلمین در معرض هجوم دشمنان قرار گرفته، فقها به تناسب شرایط زمانی بدان پرداخته، رساله‌ها، بیانیه‌ها و فتاوایی از خود بجا نهاده‌اند. آنان علاوه بر تبیین احکام و مسائل جهاد دفاعی، مردم را به ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان اسلام و مسلمین تشویق و ترغیب نموده‌اند.

فتاوی فقهای امامیه درباره احکام و مسائل فقهی جهاد دفاعی و ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان اسلام و مسلمین، موجبات تشویق و ترغیب مقلدین را به همراه داشته و همواره سرزمین‌های اسلامی را از خطر هجوم دشمن در امان نگه داشته است. این امر همواره از مسائل و موضوعات مهم حکومت و امنیت در جامعه اسلامی قلمداد گردیده است. در مقاطع زمانی مختلف، فقهای شیعه با احساس مسؤولیت وارد این عرصه شده، مردم را به مقاومت تحریض کرده‌اند و خود نیز در صفوف مقدم جهاد و مبارزه و دفاع از کیان اسلام و سرزمین‌های اسلامی قرار گرفته‌اند.

هر چند سرزمین‌های اسلامی هیچگاه از خطر هجوم دشمن در امان نبوده و از زمانی که اقتدار اسلام و مسلمین در عرصه جهانی نمودار گشته، مسلمانان همواره در معرض تهاجم بوده‌اند، اما در بعضی از مقاطع که دشمنان عملاً وارد میدان شده و سرزمین‌های اسلامی را در معرض تاخت و تاز خود قرار داده‌اند، علمای اسلامی با احساس مسؤولیت وارد عرصه شده‌اند.

هم‌اکنون که دشمنان اسلام از بیم گسترش نفوذ و اقتدار مسلمین در عرصه بین‌المللی به صورت علنی‌تر مسلمانان را از هر مرام و مکتبی تهدید کرده و به دنبال سیطره بر بلاد اسلامی و چپاول منابع و ثروت‌های آنان بر آمده‌اند؛ مستکبران جهان از بیداری اسلامی و تسلط ملت‌های مسلمان بر سرنوشت خود بیم‌ناک‌اند. در این شرایط اقتضا می‌کند که مسلمانان به‌ویژه نسل جوان بیش از پیش با ظرفیت‌های فراوانی که در مکتب و فرهنگ دینی آنان وجود دارد، و نیز با تبعیت از فتاوی ولی فقیه، به عنوان حاکم اسلامی از عزت و شرافت و استقلال خود دفاع کنند.

موضوع اختیارات حاکم اسلامی، در مباحث فقهی جهاد دفاعی جایگاه ویژه‌ای دارد. هر چند وجوب جهاد دفاعی از مسائل ضروری اسلام است و جای هیچ‌گونه تردیدی در آن نیست، اما آشنایی با اختیارات حاکم اسلامی و اهمیت و ارزش دفاع، از یک سو، احکام و مسائل آن از سوی دیگر، همچنین کارنامه مسلمانان در این زمینه در شرایط کنونی حایز اهمیت است. بر این اساس

در این پژوهش، اختیارات حاکم اسلامی در حکم جهاد دفاعی از منظر فقه امامیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

جهاد دفاعی^۱

جهاد در این جا به معنی تلاش و مبارزه‌یی است که برای دعوت به اسلام و بسط و گسترش آن و یا به عنوان دفاع از تجاوز دشمن انجام می‌گیرد. جهاد یکی از مهمترین ارکان دینی است و وجوب آن از ضروریات دین مبین اسلام به شمار می‌رود.

جهاد بر دو قسم است:

۱. ابتدایی: آن است که برای برداشتن موانع دعوت به اسلام انجام شود و سپاه اسلام بدون آن که حمله‌یی از سوی دشمن شده باشد با هدف از بین بردن موانع تبلیغ اسلام و برداشتن موانع مسلمان شدن سرزمین‌های دیگر و گسترش اسلام و اعلای کلمه‌ی حق و برپایی شعائر دینی و هدایت کفار و مشرکان و برانداختن شرک و بت‌پرستی به جنگ و جهاد پردازند. (در حقیقت هدف از جهاد ابتدایی کشور گشایی نیست، بلکه دفاع از حقوق فطری ملت‌هایی است که به توسط قدرتهای کفر و شرک و استکبار از خدا پرستی و توحید و عدالت محروم شده‌اند).

۲. دفاعی: آن است که به عنوان دفاع و جلوگیری از تجاوز دشمن انجام گیرد، و زمانی است که دشمن به سرزمین‌های مسلمانان و مرز و بوم آنها هجوم آورد و قصد تسلط سیاسی یا نظامی یا فرهنگی یا اقتصادی نسبت به آنان داشته باشد.

۱. جهاد ابتدایی

۱. جهاد ابتدایی اختصاص به زمان پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) ندارد و فقیه جامع‌الشرائطی که متصدی ولایت امر مسلمین است در صورت وجود مصلحت می‌تواند حکم به جهاد ابتدایی کند.

۲. اهل کتاب (مانند یهودیها و مسیحیها و زرتشتیها) تا زمانی که مطیع قوانین و مقررات دولت

^۱ در این مقاله جهاد مطابق با تعریف آن در فتاوی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در نظر گرفته

شده است (<https://khamenei.ir>)

اسلامی که در حمایت آن زندگی می‌کنند باشند و کاری که منافعی با امان است، انجام ندهند حکم مُعاهد را دارند (یعنی باید جان و مال و آبروی آنان حفظ شود و حقوق مشروع و قانونی آنها مراعات گردد).

۳. هرگاه کفار به سرزمین اسلامی حمله کنند و کسانی از آنان به دست مسلمین اسیر شود، سرنوشت اسیران جنگی در دست حاکم اسلامی است و آحاد مسلمانان حق تعیین سرنوشت اسرا را ندارند، بنابراین جایز نیست که یکی از مسلمانان یک کافر کتابی یا غیر کتابی، اعم از زن یا مرد را در سرزمین کفر یا سرزمین مسلمانان به تملک خود درآورد.

۲. جهاد دفاعی

۱. دفاع از اسلام و مسلمین واجب است و متوقف بر اذن والدین نیست، ولی در عین حال سزاوار است که انسان تا می‌تواند رضایت آنان را جلب کند.

۲. اگر حفظ نفس محترمه و جلوگیری از وقوع قتل مستلزم دخالت فوری و مستقیم باشد، این کار جایز بلکه شرعاً از باب وجوب حفظ جان نفس محترمه واجب است، و از جهت ثبوتی متوقف بر کسب اجازه از حاکم و یا وجود امر به آن نیست، مگر آن که دفاع از نفس محترمه متوقف بر قتل مهاجم باشد که صورتهای متعددی دارد که احکام آنها هم ممکن است متفاوت باشد.

حاکم اسلامی

واژه حاکم، از ماده حکم گرفته شده است و جمع آن حکام است. حاکمیت در اصل از آن خداست و به عبارتی دیگر حاکمیت از شئون ربوبیت الهی است. هیچ‌کس حق حکومت بر انسانی را ندارد، مگر آنکه خدا به او تفویض فرموده باشد. بسیاری از فقهای امامیه مصداق حقیقی حاکم را امام معصوم یا کسی دانسته‌اند که از جانب او برای ولایت یا قضاوت منصوب شده است. (علامه حلی، ج ۲: ۶۱) به تصریح آنان، مصداق واقعی حاکم در عصر غیبت امام معصوم (علیه‌السلام)، فقیه جامع‌الشرایط است (شهید ثانی، ج ۴: ۱۶۲ و همان، ج ۷: ۱۴۶)

پیشنه تحقیق

سعدی و خدایار در پژوهشی با عنوان «تحلیل فقهی مبانی مشروعیت دفاع»؛ مبانی فقهی مشروعیت دفاع را از محتوای متون فقهی اصطیاد کرده و بر اساس ادبیات و مفاهیم فقهی، تحلیل و تبیین نموده‌اند. (۱۳۹۰: ۱۵۱)

شمس ناتری و عبدالله یار در مقاله ای با عنوان «دفاع مشروع و مبانی مشروعیت آن»، ضمن بررسی مبانی ای از قبیل: طبیعی دانستن دفاع، دفاع بعنوان نوعی خاص از حالت ضرورت، تجاوز بعنوان عامل ایجاد کننده حق دفاع و یا توجیه بر اساس آثار اجتماعی آن، نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظریات را بررسی و اصل کرامت انسانی و مقتضیات آن را مبنایی مناسب برای توجیه حق دفاع دانسته‌اند. (۱۳۸۹: ۱۰۳)

درویشی و فردی تازه کند در مقاله ای با عنوان «بررسی اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (ره)»، اندیشه دفاعی امام خمینی (ره) را با استفاده از الگوی چهار وجهی «مبانی نظری»، «مبانی عقیدتی»، «ابعاد و ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی (ره)» و «مقتضیات و تحولات زمانی» تحلیل کرده‌اند. آنها معتقدند اجزاء، مولفه‌ها و اصول اندیشه دفاعی امام خمینی (ره) نیز بر اساس این الگو شکل گرفته و در اندیشه دفاعی ایشان با توجه به فراوانی تهدیدها، باید با استفاده از راهبرد دفاع همه جانبه به دفاع از مکتب اسلام، نظام جمهوری اسلامی، مسلمانان و مستضعفان جهان در همه ابعاد مادی و غیرمادی پرداخته و با نابودی «استکبار» و «طاغوت»، صلح جهانی را برقرار و به آرمان نهایی «تشکیل حکومت عدل جهانی» و تامین سعادت اخروی انسان دست یافت. (۱۳۹۳: ۱)

علاوه بر پژوهش‌های فوق، در متون تاریخی نیز مواردی در خصوص اختیارات حاکم اسلامی نسبت به حکم جهاد دفاعی قابل مشاهده است. سید عبدالحسین لاری در بیانیه‌ای که به منظور بیان وجوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی در جنگ بین الملل اول صادر کرد، «عزت و عظمت دین، رسوا کردن کافران، حفظ اساس اسلام و شکسته شدن بت‌ها و حفظ احکام حلال و حرام الهی، آشکار شدن حق و عدل و راستی و ابطال کفر و ستم و فسق» را از جمله آثار و برکات جهاد در راه خدا معرفی نموده است. (لاری، ج ۱، ۱۳۷۷: ۴۴۹)

مبانی نظری و فلسفه جهاد از منظر اسلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم تقدیر، الذین اخرجوا من دیارهم بغير حق الا ان یقولوا ربنا الله و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز». (حج، ۳۹ و ۴۰) از این آیه استنباط میشود که اولاً: بیرون راندن مردم از سرزمینشان از مصادیق

آشکار ظلم است. ثانیاً: جنگ با دشمن مهاجم و ستمگر حق مشروع ستمدیدگان است از این رو حتی اگر عده‌ای غیر مسلمان تحت‌ستم قرار گیرند و به ناحق از خانه و کاشانه و سرزمینشان اخراج شوند، حق جهاد دفاعی برای آنان محفوظ است. بخش دوم آیات تبیین فلسفه این جهاد دفاعی است. دفاع از جان، مال، زن و فرزند، وطن و سرزمین، شرف، ملیت و استقلال کشور از مقولات مقدس و مورد اتفاق همه انسان‌ها است. هیچ فرد و قوم و ملتی تسلیم در برابر متجاوز را نمی‌پسندد. ثالثاً دفاع، ضامن صلاح جوامع و متقابلاً تسلیم، عامل بروز فساد در زمین است.

بعضی از مفسران با استفاده از آیات جهاد، جنگ و جهاد در راه خدا را احیای مؤمنان شمرده‌اند. بدین معنا که جنگ و جهاد - چه به عنوان دفاع از مسلمان و یا کیان اسلام باشد و چه جنگ ابتدایی باشد - همگی در حقیقت دفاع از حق انسانیت در حیات بشری است؛ چرا که شرک به خدا، هلاک انسانیت و مرگ فطرت بشری را در پی دارد. چه اینکه جنگ در حقیقت دفاع از حق انسانیت و تجدید حیات بشری و احیای آن پس از مرگ است. (طباطبایی، ج ۲، ۱۳۷۸: ۶۶)

این‌که مفسران و دانشمندانی جهاد ابتدایی را نیز به دفاع از حق انسانیت - توحید - بازگردانده‌اند، بدین خاطر است تا برای همگان قابل فهم باشد، چرا که حق دفاع از خود و همه شئون حیات بشری، برای همگان شناخته شده و امری مسلم و غیر قابل انکار است. بنابراین تفسیر توحید و یکتاپرستی جزء حقوق عمومی انسان‌ها است و جنگ و جهاد برای حقوق انسانیت در واقع دفاع از حقوق انسانیت است. نظیر جنگ برای آزادی که از حقوق انسانی است. (مطهری، ۱۳۹۶: ۴۵)

برای خداوند حفظ دین و مراکز عبادی موحدان عالم امری آسان است، اما سنت الهی آن است که شرایع و ادیان الهی از طریق مردم حفظ شود. مردم نسبت به اعتقادات، عبادتگاه‌ها و مراکز دینی و سرزمین خود احساس مسئولیت کنند و در راه دفاع از آن بایستند. وجود چنین احساسی در مردم و دفاع در برابر تجاوز دشمن موجب جلب حمایت الهی شده و نصرت الهی را به همراه دارد.

وجوب جهاد دفاعی در قرآن

وجوب جهاد دفاعی از ضروریات فقه است که به حکم عقل و شرع واجب گشته است. صاحب جواهر معتقد است که اجماع محصل و منقول بر وجوب جهاد دفاعی وجود دارد، چنانکه روایات خاص و آیات عام بر این مطلب دلالت می‌کند. از کلمات اصحاب بر می‌آید که آن را یکی

از اقسام جهاد می‌دانند از این رو آیات و روایات شامل این نوع از جهاد هم می‌شود هر چند شرایط خاص جهاد ابتدایی در آن معتبر نیست. (صاحب‌جوهر، ۱۳۸۶: ۴۷) «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» (نساء، ۱۴۱). آیه شریفه هرگونه سلطه‌ای را از جانب کافران بر مسلمانان نفی کرده. مفسران و فقیهان آیه را در مقام انشاء دانسته‌اند. (طوسی، ج ۵، ۱۳۷۸: ۱۴۶؛ حسینی مراغی، ج ۲ بی تا: ۳۵۵) بدین معنا که خداوند هیچ قانونی جعل نکرده که در پرتو آن کافر بر مسلمان سلطه پیدا کند. از این رو مسلمانان باید با عمل به قوانین الهی از هرگونه سلطه پذیری در برابر دشمن پرهیزند. فقها با استفاده از این آیه و دلایل دیگر قاعده «نفی سبیل» را استخراج کرده و در مباحث مختلف فقهی، هر جا که نوعی ولایت و سلطه کافر بر مسلمان مطرح بوده، با استناد به این قاعده نفی کرده‌اند. (حسینی مراغی، بی تا: ۳۵۱-۳۵۰)

دین مقدس اسلام هیچ‌گونه سلطه‌ای را که کافر بر مسلمان پیدا کند، به رسمیت نشناخته، بلکه ولایت و عزت اسلام و مسلمین را بر همه ملت‌ها و مکتب‌ها مطرح ساخته است. «ولله العزة و لرسوله و للمؤمنين» (منافقون، ۸)

شبیبه این آیه، حدیث مشهور نبوی است «الاسلام يعلو و لا يعلی علیه». (حرعاملی، ج ۲۶، ۱۳۸۷: ۱۴) شهرت روایت که موجب قبول آن توسط فقها شده، آن را از بررسی سندی بی‌نیاز کرده است. (حسینی مراغی، بی تا: ۳۵۳) فقیهان از این حدیث «برتری مطلق اسلام» را استفاده کرده‌اند، نه تنها کفر بر اسلام برتری ندارد، بلکه حتی با آن برابر هم نیست. معنای علو و برتری در روایت، سلطه و استیلاست و قهرا مقصود، اثبات علو مسلمین در برابر پیروان مکاتب دیگر است.

بدیهی است که هجوم دشمن به سرزمین‌های اسلامی به تسلط آنان بر شؤون مختلف زندگی مسلمانان منتهی می‌شود و به حکم اسلام نامشروع است و دفاع در برابر این هجوم واجب می‌باشد. چه اینکه تسلیم در برابر چنین هجومی، که عزت و شرافت و برتری مسلمین را خدشه‌دار می‌کند، مجاز نبوده و از نظر قرآن و روایات محکوم است. مسلمانی وظایف و مسؤولیت‌هایی را به همراه دارد و یکی از مهم‌ترین آنها دفاع از دین، مکتب، جامعه و سرزمین‌های اسلامی و جان و مال و ناموس مسلمان‌ها است، هر چند دفاع از سرزمین، شرف، استقلال، جان و مال و زن و فرزند برخاسته از فطرت انسان است و در هر مرام و مکتبی ضرورت دارد.

تجزیه و تحلیل فقهی اختیارات حاکم اسلامی در جهاد و دفاع

در نگاه صاحب جواهر «اگر کفار بخوانند با حمله به سرزمین‌های اسلامی، اسلام را محو و شعائر آن را مندرس نمایند که نامی از حضرت محمد (ص) و شریعتش باقی نماند، شبهه‌ای در وجوب جهاد نیست» (صاحب‌جواهر، ۱۳۸۶: ۴۷) ایشان دفاع از اساس اسلام و جامعه اسلامی را در برابر هجوم دشمن در زمان غیبت، جهاد در راه خدا دانسته و در این زمینه به اطلاق ادله استناد جسته است. «ظاهر غیر واحد کون الدفاع عن بیضه الاسلام مع هجوم العدو فی زمن الغیبه من الجهاد لاطلاق الأدله». (صاحب‌جواهر، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۹)

شیخ جعفر کاشف‌الغطاء برای جهاد پنج قسم قائل است که یک قسم آن ابتدایی و چهار قسم نیز دفاعی است. گاه جهاد برای حفظ اساس اسلام در برابر هجوم کفار به سرزمین‌های مسلمین و شهرها و روستاهای مسلمان‌ها است که هدفشان محو اسلام و حاکم کردن کفر و نشانه‌های آن است؛ گاه جهاد برای دفع متجاوزان به خون مسلمانان و نوامیس آنهاست؛ گاه جهاد برای دفاع از گروهی از مسلمان‌ها است که با گروهی از کافران درگیر شده و خوف استیلا کفار بر آنان می‌رود؛ و بالاخره گاه جهاد به منظور بیرون راندن کافرانی است که بر سرزمین‌های مسلمین مسلط شده و نجات مسلمانان از دست متجاوزان است. ایشان در ادامه با بیان تکلیف مسلمانان در راه آزادسازی سرزمین‌های اسلامی با بذل آبرو و مال و سلاح و تدبیر، این نوع از جهاد را برترین اقسام جهاد شمرده و بزرگ‌ترین وسیله نیل به قرب الهی و افضل از جهاد ابتدایی برای دعوت کفار به اسلام می‌خواند. (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۸: ۹-۲۸۷)

می‌توان گفت، تأکید فقها بر جهاد دانستن دفاع، آن است که بگویند ارزشی که در مکتب اسلام برای جهاد در رکاب امام معصوم (ع) ترسیم شده، احکامی که بر جهاد و مجاهد در راه خدا مترتب گشته، منحصر به جهاد ابتدایی نبوده، بلکه دفاع را هم در بر می‌گیرد. برای این منظور، آنان به عموم آیات و احادیث استناد کرده‌اند. معقول هم نیست آن همه فضائل که جهاد در راه خدا دارد، نصیب افرادی معدود شود که در زمان معین و محدودی در رکاب امام معصوم می‌جنگند و اکثریت مسلمانان مؤمن و با اخلاص که در عصر غیبت زندگی می‌کنند، از آن محروم باشند. آیا کسی که برای رضای خدا و دفاع از دین او و جامعه اسلامی و سرزمین‌های مسلمانان در برابر هجوم دشمن از جان و مال خود می‌گذرد، با کسی که در زمان حضور در رکاب امام (ع) با دشمن می‌جنگد، تفاوت دارد؟ بعید است که از نظر خداوند حکیم میان آنان تفاوتی باشد، چرا که هر دو

در راه خدا جهاد کرده‌اند، بلکه شاید بتوان گفت قدر و منزلت کسی که در زمان غیبت امام جان و مال خود را در راه خدا فدا می‌کند بیش از آن کسی است که در زمان حضور چنین می‌کند. (میرزایی قمی و گرجی، ۱۳۸۰: ۳۷۹)

سلار از فقیهان قرن پنجم هجری در جهاد دفاعی، اذن امام یا نایب او را لازم ندانسته و معتقد است: «مؤمنین در دفاع خویش در برابر دشمن چه بکشند و چه کشته شوند، چه مجروح کنند و چه مجروح شوند عند الله ماجور و مثابند». (مروارید، ۱۴۱۰ه.ق، ج ۹: ۶۸)

سیدعلی طباطبایی، صاحب «ریاض المسائل» نیز «دفاع در برابر هجوم کفار» را از مصادیق جهاد دانسته است. (طباطبایی کربلائی، ۱۳۹۶: ۴۴۱) دفاع از دین و مکتب به هر صورتی در برابر مهاجمان کافر، مشرک یا مسلمانان فاسق و باغی که کیان اسلام و جامعه اسلامی یا سرزمین‌های مسلمین یا جان و مال مسلمانان را مورد هجوم قرار دهند، قطعاً جهاد در راه خداست.

مقایسه جهاد دفاعی و جهاد ابتدایی

در یک تقسیم بندی جهاد یا ابتدایی است و به منظور دعوت کافران به اسلام و برداشتن موانع رشد و گسترش اسلام انجام می‌گیرد، و یا دفاعی. اکثریت قاطع فقها دفاع از کیان اسلام و مسلمین، دفاع از سرزمین‌های اسلامی را قسمی از جهاد شمرده و آن را مشمول اطلاق و عمومات ادله دانسته‌اند و از این پندار که «آیات و روایات همگی مربوط به جهاد ابتدایی است و احکام جهاد بر دفاع جاری نمی‌شود»، پاسخ داده‌اند. گرچه بین جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی از نظر فروع و احکام تفاوت‌هایی وجود دارد، اما در بسیاری از احکام نیز با یکدیگر مشترکند. فقیهان وجود تفاوت‌ها را در پاره‌ای احکام، موجب خروج دفاع از دایره جهاد ندانسته‌اند. شهید ثانی در بیان اقسام جهاد، پس از آنکه از جهاد ابتدایی سخن گفته، قسم دوم جهاد را جهاد دفاعی دانسته، هنگامی که دشمنان کافر بر مسلمانان هجوم آوردند و قصد تسلط بر سرزمین‌های اسلامی یا به اسارت گرفتن مسلمانان یا گرفتن اموال و چپاول ثروت‌هایشان و یا تعرض به حریم و زن و فرزند آنان را داشته باشند، زمان جهاد دفاعی است. (شهیدثانی، ۱۳۸۳: ۸؛ همان، ۱۳۹۳: ۳۷۲)

شیخ محمد رضا همدانی در رساله «ترغیب المسلمین الی دفاع المشرکین»، دفاع از مسلمانان را جهاد در راه خدا خوانده و اهم قربات الهی شمرده است. (رجبی، ۱۳۷۸: ۲۰۸)

جهاد دفاعی از جهاتی بر جهاد ابتدایی ترجیح دارد و از اهمیت بیشتری برخوردار است و

البته دلیل آن هم تا حدودی روشن است. جهاد ابتدایی به منظور دعوت کفار به اسلام و گسترش دامنه اسلام است، اما جهاد دفاعی به منظور جلوگیری از محو اسلام و از بین رفتن جامعه اسلامی و حراست از استقلال و جان و مال و ناموس مسلمان‌ها است.

۱- اطلاق وجوب جهاد دفاعی

اکثریت قاطع فقها با صراحت اعلام کرده‌اند که وجوب جهاد ابتدایی مشروط به شرایطی است که به تفصیل در «کتاب الجهاد» مورد بحث قرار گرفته از آن جمله، مرد بودن، سلامت جسمانی، حریت، بلوغ، حضور امام معصوم (ع)، اذن امام، برخورداری از امکانات مالی برای حضور در میدان جنگ و جهاد. اما هیچ‌یک از شرایط مذکور در جهاد دفاعی لازم نیست، تنها قدرت و توانایی بر دفاع و مقاومت در برابر دشمن کافی است که جهاد بر انسان واجب شود. در میان قدما شیخ مفید (المقنعه، ص ۸۱۰) ابن حمزه (وسیله، به نقل از الجوامع الفقهیه، ص ۶۹۵) ابن زهره (غنیة النزاع، به نقل از همان، ص ۵۸۳) ابن براج (مهذب، ج ۱، ص ۲۹۷) ابی الحسن حلبی (شاره السبق، به نقل از همان، ص ۸۹) کیدری در اصباح و در میان فقهای اعصار بعدی علامه حلی (تذکره، ج ۹، ص ۱۶ و ۳۷) شهید ثانی (مسالك الافهام، ج ۳، ص ۸) ابن فهد حلبی (المهذب البارع، ج ۲، ص ۲۹۵) سید علی طباطبایی (ریاض المسائل، ج ۷، صص ۴۴۴ - ۴۴۲) شیخ حسن نجفی (جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۴۷) و میرزای قمی (جامع الشتات، ج ۱، ص ۳۷۶ - ۳۷۵). کاشف الغطاء و گروهی دیگر قائل به اطلاق وجوب جهاد دفاعی‌اند که برخی از آنان با صراحت این فرع را مطرح کرده و شرایط جهاد ابتدایی را در دفاع نفی کرده‌اند. کاشف الغطاء ضمن بر شمردن شرایط وجوب جهاد ابتدایی، هیچ‌یک از آنها را در جهاد دفاعی معتبر نمی‌داند و تنها قدرت و عدم عجز را کافی می‌شمارد. وی معتقد است همه افراد - چه دور دست و چه نزدیک - وظیفه دارند در سپاه مسلمین حاضر شوند و این وجوب، کفایی است و مادامی که به مقدار نیاز جمع نشده باشند، تکلیف بر عهده همه است (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸: ۲۹۱) حتی صاحب ریاض می‌افزاید: «اگر از کثرت سواد (نیرو و سیاهی لشکر) ضرری دفع شود، واجب است که اولیای دیوانگان و کودکان ایشان را در لشکر اسلام حاضر کنند.» (رجبی، ۱۳۷۸: ۳۱)

امام خمینی^(ره) در باب «دفاع» و زوایای مختلف آن در برابر هجوم نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دشمنان اسلام معتقدند: دفاع از بلاد مسلمین در برابر دشمنی که برای اساس اسلام و مسلمین خطر دارد، به هر وسیله ممکن مانند بذل جان و مال بدون هیچ قید و شرطی واجب

است. چه اینکه دفاع در برابر استیلاهای سیاسی و اقتصادی دشمنان را که به اسارت سیاسی و اقتصادی و وهن اسلام و مسلمین و ضعف ایشان می‌انجامد، از طریق روش‌های مشابه و مقاومت‌های منفی مانند تحریم کالاهای آنان و ترک مراوده و رابطه سیاسی و تجاری واجب دانسته‌اند. (امام خمینی^(ره)، ۱۳۸۵: ۴۶۲ - ۴۶۱)

در جهاد ابتدایی اذن والدین، اذن مولی برای عبد، اذن طلبکار برای کسی که بدهکار است و زمان بدهکاری‌اش فرا رسیده، لازم است ولی در جهاد دفاعی فقها اذن را معتبر نمی‌دانند. چرا که در برابر حمله دشمن، اصل و هدف، دفاع و ایستادگی در برابر دشمن است، این تکلیف بر عهده یکایک مسلمان‌ها است، چنین نیست که اگر مسلمان آزاد (احرار) توان دفاع نداشته باشند، همه مسلمانان باید تسلیم دشمن شوند، بلکه بر بردگان نیز واجب است و مولی نمی‌تواند مانع او در جهت دفاع از اسلام و مسلمین شود. چرا که به حکم عقل و شرع دفاع در برابر دشمن متجاوز در مقایسه با لزوم اطاعت از والدین یا مولی از اهمیت بیشتری برخوردار است. قاضی ابن براج در پاسخ به این سؤال «اگر کسی دینی بر عهده داشت، جهاد بر او واجب است یا نه؟» ضمن تشریح صور مختلف و اینکه در صورت سر رسید بدهی اول باید بدهی‌اش را بپردازد، نوشته است: «این امر در صورتی است که جهاد بر او متعین نشده باشد، ولی اگر جهاد بر او متعین شود و دشمن سرزمین او را محاصره کند، بر همه مردم جهاد و دفاع واجب است و احدی نمی‌تواند کسی را در این وضعیت از دفاع باز دارد چه اینکه پدر و مادر می‌توانند شخص را از جهاد بازدارند مگر در جهادی که بر شخص واجب عینی گردد». (جوهر الفقه: ۴۹؛ نیز شیخ طوسی، مبسوط به نقل از ینابیع، ج ۳۱: ۷۴)

۲- عمومیت جهاد دفاعی

جهاد دفاعی تنها بر کسانی واجب نیست که از سوی دشمن مورد هجوم قرار گرفته‌اند، بلکه همه مسلمانان وظیفه دارند در مقام دفاع از مسلمانانی که در بخشی از سرزمین‌های اسلامی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، دفاع کنند و با جان و مال خود در راه خدا جهاد نمایند. بخصوص اگر کسانی که مورد حمله قرار گرفته‌اند توانایی مقاومت در برابر مهاجمان را نداشته باشند. علاوه بر آن احادیثی چون «من سمع مسلما ینادی یا للمسلمین و لم یجبه فلیس بمسلم» شهادی بر این مدعا است. (کلینی، ۱۳۹۴)

شهید ثانی معتقد است: «جهاد دفاعی تنها بر مسلمانانی واجب نیست که مورد هجوم دشمن‌اند

بلکه بر هر کسی که خبر از وضعیت مسلمین دارد، واجب است اگر نداند که مسلمانان مورد هجوم واقع شده توان مقاومت دارند و البته کسانی که به منطقه درگیری نزدیکتر باشند، تکلیف در باره آنان بیشتر است.» (شهیدثانی، ۱۳۸۳: ۸). کاشف الغطاء نیز آن را بر همگان واجب کفایی شمرده، مادامی که به مقدار نیاز به دفاع برنخاسته باشند، تکلیف از هیچ کس ساقط نمی‌شود. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸: ۲۹۱)

شیخ محمدرضا همدانی در «رساله جهادیه» خود می‌نویسد: جهاد، مشروط به وجود امام (ع) یا نائب خاص او نیست، بلکه در زمان غیبت امام (ع)، فقیه جامع شرایط می‌تواند متولی جهاد شود. پس هرگاه مشرکین در مقام جنگ با طایفه‌ای از طوایف مسلمین برآیند، هرگاه خود آن طایفه کفایت در رفع شر آنها نمایند، بر سایرین لازم نیست که به مقام مقاتله برآیند و اگر کفایت نکنند، بر کسانی که به آن طایفه نزدیکترند واجب است که به ایشان کمک و دفع فتنه کفار را از ایشان کنند و اگر اقرب کفایت نکنند، بر اقرب به اقرب لازم است و هکذا به ترتیب تا رفع کفار شود، اگر هیچ‌یک اقدام نکنند همه مؤاخذ و معاقب خواهند بود و فرقی نیست در وجوب اعانت میان اینکه خوف بر دین باشد یا بر عرض و مال مسلمین که در هر صورت لازم است که اعانت نمایند از مسلمین که کفار بر ایشان هجوم آورده است.» (رجبی، ۱۳۷۸: ۲۰۶)

در جهاد دفاعی در صورتی که به مقدار کافی نیرو برای دفاع بسیج نشوند، حاکم اسلامی می‌تواند به اجبار و حتی تنبیه افراد آنان را به حضور در میدان دفاع حاضر کنند. «مسلمانی» بلکه «شهروندی» در یک نظام حکومتی، وظایفی را بر عهده انسان می‌نهد. صاحب ریاض در حمله روس‌ها به ایران این فتوا را صادر کرده و علت آن را چنین تشریح می‌کند: «این حادثه عظمی که در این بلاد روی داده، حادثه‌ای است که اگر چاره آن نشود خوف‌ها از عاقبت آن حاصل است ... بلکه رفته رفته اساس اسلام بی‌نظام خواهد شد.» ایشان در ادامه تشویق و ترغیب مردم به حضور در میدان و یاری دین خدا و رسول خدا را وظیفه علما می‌شمارد. (علامه حلی به نقل از ینایع، ج ۳۱، ۱۴۱۰ ه.ق: ۴۰-۴۱)

سیره فقها در دفاع از سرزمین‌های اسلامی

واقعیات تاریخی بیانگر آن است که فقهای امامیه در دوران معاصر از اختیارات حاکم اسلامی فتوای جهاد داده‌اند و علاوه بر آن، خود در صف اول جهاد بر علیه ستم قرار گرفته‌اند.

شیخ جعفر کاشف‌الغطاء فقیه نامور شیعی که در عصر فتحعلی شاه قاجار می‌زیست در ماجرای حمله وهابی‌ها به سال ۱۲۱۷هـ به شهرهای نجف و کربلا علما را برای دفاع از شهر مقدس نجف بسیج کرد و با مقاومت ایشان، وهابی‌ها شکست خورده و گریختند، این ماجرا در شرایطی صورت گرفت که اکثر مردم از شهر گریخته بودند، ولی به همت این فقیه شجاع به همراه تعداد دویست تن از علما و مجاهدان راه خدا با مقاومت، ایادی استعمارگر انگلیس را متفرق ساختند. (آل محبوب، ۱۴۰۶هـ.ق: ۳۲۶) وی همچنین هنگامی که با هجوم دولت استعمارگر روس به کشورهای اسلامی ایران روبه‌رو شد، به شاه قاجار اجازه تصدی امر دفاع از سرزمین اسلامی را صادر کرد. پس از تبیین اینکه تصدی این‌گونه امور در عصر غیبت وظیفه و حق مجتهدان است و پیروی از ایشان واجب می‌باشد، در مرحله بعد که آنان از تصدی امر جهاد به هر علتی معذور هستند، بر عهده کسانی است که دارای بصیرت و تدبیر و آگاهی از سیاست و آشنایی به دقائق امور سیاسی و فرماندهی باشند و اگر در یک فرد منحصر باشد، بر او واجب عینی خواهد بود که به نبرد با روس‌ها و متجاوزان برخیزد و بر مردم نیز واجب است او را یاری و مساعدت نمایند. سپس می‌افزاید: «چون اذن گرفتن از مجتهدان با احتیاط سازگارتر و به رضایت پروردگار جهانیان نزدیکتر و نشانه اوج بندگی، تضرع در پیشگاه پروردگار عالم است، من اگر از اهل اجتهاد باشم و قابلیت نیابت از جانب سادات زمان را داشته باشم، به فتحعلی شاه اذن دادم که در جهت آماده کردن سپاه و قشون و مقابله با اهل کفر و طغیان و جحود اقدام کند و مخارج لازم را برای این امر مهم از مالیات و زکات و امثال آن تامین نماید.» (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸: ۳۳۴ - ۳۳۳).

سید علی طباطبایی صاحب ریاض در رساله جهادیه خود نوشت: «ای دینداران و ای مسلمانان و ای شیعیان علی بن ابی طالب! کجا به غیرت شما می‌گنجد که به تسلط کفار و روس بر عرض و مال و دولت شما رایت کفر افراشته و شهادتین از میان مسلمین برداشته شود. زنان مسلمة فرارش کفار باشند و به جای اعیاد محمدیه (ص)، اعیاد مسیحیه متداول گردد؟...» (رجبی، ۱۳۷۸: ۲۸)

میرزای قمی در ماجرای جنگ قفقاز، بین روسیه تزاری و ایران که فتحعلی شاه به حمایت علما نیازمند شد، در پاسخ این سؤال که «در این اوقات که طائفه روسیه به جانب ممالک محروسه ایران و سایر بلاد مسلمانان آمده و همت بر تسخیر بلاد اسلام گماشته و مانع از اجرای احکام دین مسدد امام (ع) می‌باشند، دفع ایشان شرعا واجب و لازم است با ظن غلبه مسلمانان بر ایشان یا نه؟» نوشت: «هرگاه منظور نظر ایشان تغییر شرایع و احکام اسلام یا اذیت به نفوس و اعراض مسلمانان

و نهب و غارت اموال ایشان باشد، بلی واجب است. لکن علی الاقرب فالاقرب و در هر طبقه‌ای از اقرب، هرگاه جمعیتی هست که به بعضی از آنها کفایت در دفاع حاصل شود، بر هر یک از طوائف آنها واجب کفایی است و هرگاه جماعتی که نزدیک آنها هستند و کفایت نمی‌کنند، بر آنهایی که نزدیک‌ترند به آنها، واجب است امداد به عنوان واجب کفایی و اگر کفایت حاصل نشود الا به اجتماع جمیع، بر همه واجب می‌شود که امداد کنیم و متعین می‌شود.» (میرزایی قمی و گرجی، ۱۳۸۰: ۳۷۷) وی در ادامه همراهی علما با مجاهدان و مدافعان از سرزمین اسلامی و پوشیدن لباس نظامی را نه تنها خلاف مروت ندانسته، بلکه می‌افزاید: «آنچه گفته‌اند که فقیه هرگاه متلبس به لباس جندی شود خلاف با مروت دارد در غیر صورت قتال و دفاع مشروع است کدام عالم از امیرالمؤمنین (ع) بالاتر است که اسلحه بر خود می‌آراست و اقدام به جهاد می‌نمود؟» (میرزایی قمی و گرجی، ۱۳۸۰: ۴۰۰) سپس در پاسخ پرسشی دیگر که از تصدی مجتهد عصر و اذن او برای دفاع پرسیده شده بود، نوشت: «این نوع مدافعه نه موقوف به اذن امام است و نه حاکم شرع، و بر فرض که موقوف باشد کجاست آن بسط یدی از برای حاکم شرع که خراج را بر وفق شرع بگیرد و بر وفق آن صرف غزات و مدافعین نماید؟ و کجاست آن تمکن که سلطنت و مملکت‌گیری را نازل منزله غزای فی سبیل الله کند؟» (میرزایی قمی و گرجی، ۱۳۸۰: ۴۰۱)

اضافه بر رساله‌ها و فتوهای جهادی که مربوط به جنگ نخست ایران و روس در سال‌های ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۹ بود و به انعقاد قرار داد گلستان منتهی شد، رسائل و فتاوی دیگری وجود دارد که مربوط به جنگ دوم ایران و روس است که در سال ۱۲۴۱هـ آغاز شد. از جمله این رساله‌ها، رساله ملارضا همدانی (م. ۱۲۴۷هـ) است که در سال ۱۲۳۸ و در آستانه بروز جنگ انتشار یافت و در آن وظائف دولتمردان و فرماندهان و مردم را به تفکیک توضیح داده است. (همان)

سید محمد اصفهانی، ملا محمد جعفر استرآبادی، سید نصر الله استرآبادی، سید محمد تقی قزوینی، سید عزیز الله تالش، حاج ملا عبدالوهاب قزوینی و ملا احمد نراقی نیز از جمله عالمانی بودند که علاوه بر صدور فتوا بر جهاد با روس‌ها، کفن بر تن کرده و عازم میدان جنگ شدند. (سپهر، ۱۳۸۰: ۳۵۷)

مقطع دیگری که علما برای مقابله با تجاوزات دولت روسیه وارد میدان نبرد شدند، دوران مشروطه است. روسیه در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ نیروهای خود را در شمال ایران تقویت کرده و مردم را تحت فشار قرار داد. این حادثه مقارن با حمله استعمارگران ایتالیایی به طرابلس غرب

(لیبی) بوده است. شیخ عبدالله مازندرانی، سید اسماعیل صدر، شیخ الشریعه اصفهانی و آخوند خراسانی فتوایی به این مضمون صادر کردند: «بسم الله الرحمن الرحيم به عموم ایرانیان و مسلمانان هند! حمله روسیه به ایران و ایتالیا به طرابلس غرب، موجبات از بین رفتن اسلام و اضمحلال شریعت طاهره و قرآن خواهد شد. بر تمامی مسلمانان واجب است که اجتماع نمایند و از دولت‌های خود خواهان رفع تجاوزات غیر قانونی روسیه و ایتالیا شوند و سکون و آرامش را تا زمانی که این غائله بزرگ رفع نشده بر خود حرام نمایند. این نهضت را علیه متجاوزان بر بلاد اسلامی جهاد فی سبیل الله و همانند بدر و حنین تلقی نمایند».

سید محمد کاظم طباطبایی یزدی نیز در برابر این تجاوزات، همچنین تجاوز انگلیس به جنوب ایران عکس‌العمل نشان داده و فتوای ذیل را صادر نمود: «در این ایام که دول اروپایی مانند ایتالیا به طرابلس غرب حمله نموده و از طرفی روس‌ها شمال ایران را با قوای خود اشغال کرده‌اند و انگلیسی‌ها نیز نیروهای خود را در جنوب ایران پیاده کرده‌اند و اسلام را در معرض خطرنابودی قرار داده‌اند، بر عموم مسلمین از عرب و ایرانی واجب است که خود را برای عقب راندن کفار از ممالک اسلامی مهیا سازند از بذل جان و مال در راه بیرون راندن نیروهای ایتالیا از طرابلس غرب و اخراج قوای روس و انگلیس از ایران هیچ فروگذار نکنند، زیرا این عمل از مهم‌ترین فریض اسلامی است تا به یاری خداوند دو مملکت اسلامی از تهاجم صلیبی‌ها محفوظ بماند.» (همان: ۲۳۸)

محمد حسین قمشاهی، سید مصطفی کاشانی، شیخ محمد آل شیخ صاحب جواهر، سید محمد سعید حبیبی، محمد حسین حائری مازندرانی و سید علی تبریزی از جمله عالمانی بودند که در این مقطع با صدور فتاوایی مقابله با متجاوزان را فریضه مهم مسلمانان شمرده و هرگونه همکاری با آنان را موجب کفر و ارتداد و به منزله محاربه با مسلمانان دانستند. (همان: ۲۴۹ - ۲۳۹)

شیخ الشریعه اصفهانی، در بیانیه‌ای خطاب به علمای بزرگ، امیران، مردان عشایر و قبایل و اقشار مختلف مردم؛ از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان اسلام که تحت پوشش‌های فریبنده «تجارت با کشورهای اسلامی» و «تاسیس مدارس و بیمارستان‌ها» سلطه اقتصادی و فرهنگی و سیاسی خود را گسترش داده و مسلمانان را در شؤون مختلف زندگی به خود وابسته کردند، پرده برداشت. (همان: ۲۶۶ - ۲۵۹)

محمد تقی شیرازی درباره تصرف بغداد و گماردن حاکم دست‌نشانده به وسیله انگلستان می‌گوید: «حفظ ثغور مسلمین و بلاد اسلام واجب و سعی و کوشش در دفاع کفار از اهم فرائض الهیه

است. (همان) سید ابوالحسن اصفهانی هنگام ترک عراق با صدور بیانیه‌ای «حفظ اسلام و بلاد اسلامی را تا آنجا که قدرت دارند» وظیفه دینی همگان بالخصوص عراقی‌ها شمرد و افزود: «لازم است که سرزمین عراق را که مشاهد ائمه علیهم السلام و مراکز دینی، در آنجاست از تسلط کفار حفظ نموده و از نوامیس دینی آن دفاع کنیم.» (کاووسی و صالحی، بی تا: ۱۰۷) سیدعبدالحسین لاری نیز با صدور فتوایی در خصوص تجاوز نظامی انگلیس به جنوب ایران «جهاد و دفاع با کفار حربی، ابالیس انگلیس و اعوان ایشان و سد ابواب طمع» را واجب شمرده و هر کسی را که از این جهاد سر باز زند، مانند کسی دانسته که از جیش اسامه و امام عصر (ع) تخلف نماید. (سید لاری، ۱۳۷۷: ۴۵۴ - ۴۵۳)

پس از توطئه شوم انگلستان و آمریکا در مسلط کردن صهیونیسم بر جهان اسلام و غصب سرزمین‌های اسلامی، علما عکس العمل‌های تنیدی از خود نشان دادند، آیه‌الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، با ارسال پیامی به نخست وزیر پاکستان، با اشاره به دشمنی‌های آمریکا، آن دولت را به خاطر ارتباط با کشور متجاوز و ستمگر آمریکا مورد سرزنش قرار داد. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۷: ۶۶) وی حل مسئله فلسطین را در گرو جنگ و جهاد با صهیونیسم و نابودی اسرائیل می‌دانست نه التماس و ذلت و در یوزگی و توسل به دشمنان صلح با اسرائیل. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۷: ۹)

امام خمینی^(ره) نیز در مقاطع مختلف زندگی خود بارها از ضرورت دفاع در برابر دشمنان اسلام و مسلمین سخن گفته‌اند. در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶ هـ.ش، اطلاعیه‌ای صادر فرمودند: «اسرائیل به کمک استعمار، قیام مسلحانه بر ضد ممالک اسلامی نموده است و بر دول اسلامی قلع و قمع آن لازم است. کمک به اسرائیل، چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت، حرام و مخالفت با اسلام است، رابطه با اسرائیل و عمال آن، چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی حرام و مخالفت با اسلام است و باید مسلمین از استعمال امتعه و اجناس اسرائیل خودداری کنند. (روحانی، ۱۳۸۲: ۳۴۸)

در جای دیگری نیز درباره ضرورت جهاد دفاعی و مقاومت جهان اسلام در برابر صهیونیسم فرمودند: «همه شیاطین مجتمع‌اند که نگذارند اسلام رشد کند و ما باید این معنا را در نظر داشته باشیم که باتمام قوا و تا آخرین نفرمان مهیا شویم و در راه خدا جهاد کنیم. دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد اسلامی و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم و خصوصاً در این شرایطی که فرزندان واقعی فلسطین

اسلامی و لبنان - یعنی حزب الله - و مسلمانان انقلابی سرزمین غصب شده و لبنان با نثار خون و جان خود فریاد «یا للمسلمین» سر می دهند، با تمام قدرت معنوی و مادی در مقابل اسرائیل و متجاوزین بایستیم و در مقابل آن همه سفاکی ها و ددمنشی ها مقاومت و پایداری کنیم و به یاری آنان بشتاییم و سازشکاران را شناسایی و به مردم معرفی کنیم. (امام خمینی^(ره)، ج ۲۰، ۱۳۶۴: ۴۸۷)

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در باره اهمیت جهاد دفاعی و وجوب مقابله همه جانبه با نفوذ و ستم اسرائیل غاصب، حتی ایجاد روابط دیپلماتیک کشورهای مسلمان با آن رژیم می فرماید: «همه دنیا و بخصوص دنیای اسلام موظفانند هر چه میتوانند به تجهیز ملت فلسطین کمک کنند.» (۱۳۹۳/۰۵/۰۷) بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی).

در جای دیگری نیز می فرماید: «صهیونیستها فلسطین غصب شده را از روز اول به یک پایگاه تروریسم تبدیل کردند. اسرائیل نه یک کشور که یک پادگان تروریستی علیه ملت فلسطین و دیگر ملت‌های مسلمان است. مبارزه با این رژیم سفاک، مبارزه با ظلم و مبارزه با تروریسم است. این یک وظیفه همگانی است.» (۱۴۰۰/۰۲/۱۷) بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در روز قدس

نتیجه گیری

در طول تاریخ اسلام هر گاه سرزمین اسلامی یا عزت و استقلال مسلمین در معرض تجاوز بیگانگان قرار گرفته است فقها با احساس مسؤولیت وارد میدان شده، هم با بیان حکم خدا و صدور حکم جهاد دفاعی، مردم را به دفاع و ایستادگی در برابر دشمن ترغیب می کردند و هم خود در عرصه جهاد دفاعی حضور می یافتند. در مواردی نیز بر اساس شرایط زمان و مکان و پویایی فقهت در زمان غیبت معصوم (ع)، علی رغم تعارض با سلاطین و حاکمان جائر و وقوف به اینکه آنان را غاصب منصب ولایت هستند، هر گاه با هجوم متجاوزان به بلاد اسلامی مواجه می شدند، بر اساس قاعده دفع افسد به فاسد، مجوز همکاری با سلاطین جائر را نیز صادر می کردند. هم به آنان اذن تصدی امر دفاع را می دادند تا در این جنگ امر و نهی و تصرفاتشان مشروع باشد و هم مقلدین را نسبت به جهاد دفاعی در مقابله بیگانگان به همکاری و مساعدت آنان فرا می خواندند. در دو سده اخیر که اوج هجوم دشمنان اسلام به بلاد اسلامی بوده و استعمارگران به دنبال شکستن اقتدار مسلمین و چپاول ثروت‌های آنان بودند، حضور حماسه آفرین فقیهان شیعه بسیار برجسته‌تر از مقاطع دیگر تاریخ فقه و فقهاست. گرچه حضور آنان در عرصه سیاست و احساس مسؤولیت

نسبت به سرنوشت مسلمین بسیار فراتر از حضور در جبهه‌های دفاع از سرزمین‌های اسلامی است و مواردی را هم که دشمنان با تحمیل قراردادهای اقتصادی و سیاسی بر شوون مسلمین تسلط پیدا می‌کردند، شامل می‌شود. از آنجا که حمله دشمن به سرزمین‌های اسلامی منحصر به هجوم نظامی و پیاده کردن نیرو نیست، بلکه راه‌های به زنجیر کشیدن ملت‌ها در موارد مختلف به صورت نامرئی و با نفوذ در ارکان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز انجام می‌گیرد و بدون نیاز به حضور نیروهای مسلح با وابسته کردن مسلمین از نظر سیاسی اقتصادی و فرهنگی بر شوون مختلف جامعه اسلامی سلطه پیدا می‌کنند، فقیهان با هوشیاری در این‌گونه عرصه‌ها نیز نقش آفرینی کرده و با استفاده از اختیار صدور حکم جهاد، به مقابله با استعمارگران و دفاع از عزت و استقلال مسلمین پرداخته‌اند.

با توجه به بررسی متون دینی و فقهی درباره اختیارات حاکم اسلامی نسبت به صدور حکم جهاد دفاعی چنین برمی‌آید که اولاً حاکم اسلامی نقش کلیدی در اجرای حکم جهاد و دفاع از کیان حکومت اسلامی و عزت مسلمانان داشته، ثانیاً این اختیارات ضامن تأمین امنیت امت اسلام و حفظ استقلال و بقای آن است؛ ثالثاً اختیارات حاکم اسلامی، با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و معطوف به پویایی فقه شیعه، عامل اصلی در بسیج نیروها برای مقابله با دشمنان اسلام است؛ و رابعاً این احکام فصل‌الختم جاری شدن حکم جهاد دفاعی در حکومت اسلامی است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- امام خمینی (ره) (۱۳۸۵). تحریر الوسیله (جلد اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره) (۱۳۶۴). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره) (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها) (جلد بیستم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سیدعلی؛ پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی.
- حراعلی، محمدبن حسن (۱۳۸۷). وسائل الشیعه، ج ۲۶، چ ۹، ناشر: اسلامی.
- حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی (بی تا). العناوین، ج ۲.
- درویشی، فرهاد و فردی تازه‌کند، محمد (۱۳۹۳). «بررسی اندیشه دفاعی امام خمینی (ره)»، راهبرد دفاعی، ۱۲ (۴۶)، صص ۱-۴۳.
- رجبی، محمد حسن (۱۳۷۸). رسائل و فتاوی جهادیه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
- روحانی، سید حمید (۱۳۸۲). نهضت امام خمینی (ره)، ج ۲، ناشر: موسسه چاپ و نشر عروج.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۸۰). ناسخ‌التواریخ، انتشارات اسلامی، ج ۱.
- سعدی، حسینعلی و خدایار، حسین (۱۳۹۰). تحلیل فقهی مبانی مشروعیت دفاع. پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۳۳، صص ۱۵۱-۱۷۶.
- شمس ناتری، محمدابراهیم و عبدالله یار، سعید (۱۳۸۹). دفاع مشروع و مبانی مشروعیت آن. مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، ۲(۲)، صص ۱۰۳-۱۲۸.
- شهیدنای، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۳). مسالک الفهم الی تنقیح شرائع الاسلام (جلد ۳)، چ ۳، تهران: بنیاد معارف اسلامی.
- شهیدنای، زین‌الدین بن علی (۱۳۹۳). شرح لمعه، ج ۲، قم: دارالعلم.
- صاحب‌جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۳۸۶). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (جلد ۲۱) تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸). المیزان، ج ۲، مترجم: محمدتقی مصباح‌یزدی، چ ۷، قم: موسسه انتشارات امیرکبیر، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸). المیزان، ج ۹، ترجمه سیده‌محمدباقر موسوی‌همدانی، چ ۶، قم: موسسه انتشارات امیرکبیر، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- طباطبایی کربلایی، علی بن محمدعلی (۱۳۹۶). ریاض المسائل، ج ۷، چ ۳، تهران: الجماعه المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۳۷۸). کتاب‌الخلاف (جلد ۵) قم: جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مرکز المنشورات الاسلامیه.
- عکبری بغدادی، ابی عبدالله (۱۳۶۹). المقنعه، ناشر: الجماعه المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی.

- علامه حلی (۱۴۱۰ ه.ق). ارشاد الاذهان به نقل از ینایع، ج ۳۱.
- عمادی حائری، سیدمحمد و حسینی حلی، عزالدین ابوالکرم حمزه بن علی بن زهره (۱۳۹۲) غنیه التزوع الی علمی الاصول و الفروع، ناشر: مجلس شورای اسلامی، موزه و مرکز اسناد.
- فضل الله، سیدعبدالکریم (۱۳۹۳). وسیله المتفقین: العقود، ناشر: فقه وسیله، به نقل از الجوامع الفقهیه.
- کاشف الغطاء، محمدحسین آل (۱۳۵۷). نمونه‌های عالی اخلاقی در اسلام است نه بحمدون؛ مترجم علی شریعتی.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۳۸۸). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، ج ۴، چ ۲، قم: بوستان کتاب قم (مکتب الاعلام الاسلامی، الحوزه العلمیه بقم).
- کاووسی، محمد حسن و صالحی، نصرالله (۱۳۷۶). جهادیه، فتاوی جهادیه علما و مراجع عظام در جنگ جهانی اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۹۴). اصول کافی، کتاب‌الایمان و الکفر، باب‌الاهتمام بامورالمسلمین، ج ۵، ناشر: موسسه جهانی خدمات اسلامی.
- لاری، سید عبدالحسین (۱۳۷۷). رسائل سید لاری، به کوشش سید علی میر شریفی، ج ۱، تهران: طبع و نشر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴). مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن (جلد ۵ و ۶) (جلد ۳) چ ۸، قم: ناصر خسرو.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). جهاد، چ ۳۰، تهران: صدرا
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۵). زیله‌البیان، ج ۱، ناشر: موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع).
- میرزایی قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن و گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۰). جامع‌الشتات، ج ۱، دانشگاه تهران.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۹). تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم و موضوعات قرآن (جلد ۱)، ج ۱، ناشر: بوستان کتاب قم.